

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶

غلامرضا کاظمیان^۱، وجه‌الله قربانی‌زاده^۲، سعید شفیعا^۳

ارزیابی و شناسایی کنشگران توسعه ناپایدار محله‌های غیررسمی

نمونه موردی: محله غیررسمی شمیران نو^۴

چکیده

ساخت‌وسازهای غیررسمی، بخشی از حیات ناپایدار شهری در طول تاریخ شهرنشینی بوده‌اند. این محله‌ها به واسطه تأمین تقاضای سرپناه اقشار کم‌درآمد، محل تجمع گونه‌های مختلف اقشار و طبقات اجتماعی فرودست هستند. این درواقع تقاضا و تجمعی است که شاکله ناپایداری حیات شهری این محله‌ها را به وجود می‌آورد. این مقاله، به مردم‌نگاری سکونتگاه غیررسمی شمیران‌نو واقع در منطقه ۴ شهرداری تهران می‌پردازد. هدف پژوهش، شناسایی انگیزه‌ها، تمایلات و آثار گروه‌های سازنده غیرمجاز است. نتایج نشان می‌دهد که حداقل سه گروه اجتماعی متفاوت، دست به ساخت‌وسازهای بی‌قاعده در محیط و فضای این محله می‌زنند: گروه یکم قدیمی‌های ناچار است، گروه دوم مهاجران مهاجرپذیر و گروه سوم سودجویان مسافر. هریک از این کنشگران می‌توانند منابعی بااهمیت برای پایداری محله باشند. مقایسه نتایج تحقیق با مدل‌های معتبر نشان می‌دهد که محله مورد بررسی دارای گونه‌های متفاوت اجتماعی با وضعیت روانی و اجتماعی مختلف است. بنابراین دستیابی به اهداف برنامه‌های بهسازی و اصلاحی با استفاده از روش‌های ترکیبی و پویا با هدایت ظرفیت‌ها و انگیزه‌ها و خواسته‌های گروه‌های سازنده مقدور خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌وسازهای غیررسمی، محله غیررسمی، شمیران‌نو، گروه‌های اجتماعی، توسعه ناپایدار.

^۱ استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی، استان تهران، شهر تهران

E-mail: kazemian1344@gmail.com

^۲ استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی، استان تهران، شهر تهران

E-mail: v_ghorbanizadeh@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبایی، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: iran_ltd@yahoo.com

^۴ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سعید شفیعا با عنوان «رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای»، با راهنمایی دکتر غلامرضا کاظمیان و مشاوره دکتر وجه‌الله قربانی‌زاده در دانشگاه علامه طباطبایی است.

مقدمه

تحول‌های تکنولوژیک و تغییر در سبک زندگی، همواره آسیب‌هایی را نیز برای زندگی انسانی به همراه داشته‌اند. گرایش به شهرها با بروز آسیب‌های نوظهور همراه بوده است. شکل‌گیری محله‌های غیررسمی در کنار و درون شهرها، از جمله تبعات و آثار پیشی گرفتن توسعه شهرنشینی از توسعه شهری است. ارقام و آمارها نیز تأیید می‌کنند که سکونت غیررسمی در ایران سابقه‌ای ۶۰ ساله دارد (زاهدانی، ۱۳۶۹، ۳۷). بنابراین مسائل این سکونتگاه‌ها در زندگی شهری، امری تازه و ناشناخته به شمار نمی‌آید. عده‌ای از محققان این محله‌ها را نشانه موفقیت توسعه شهرها و عضو ضروری از زندگی شهری برمی‌شمارند (هادی‌زاده بزار، ۱۳۸۴، ۲۴۰). عده‌ای دیگر آنها را به‌مثابه سایه‌هایی از ضعف سیاست‌های عمومی و محصول نابرابری‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۱۹۴). اما این تأکید هم وجود دارد که برچسب‌زنی به ساکنان این محله‌ها به عنوان عامل‌های معضلات شهری، نگاهی تک‌بعدی، تنگ‌نظرانه و دور از انصاف است (پیران، ۱۳۸۷، ۱۷). کمبود امکانات، ضعف خدمات‌رسانی، کمبود سرانه‌های شهری، فقدان نظارت‌های انتظامی، جذب مجرمان و زندگی متراکم در ساختمان‌های فاقد استاندارد، حقایقی است که در نمونه‌های مختلف، کتمان‌ناپذیر است. براین اساس، محققان این محله‌ها را چالشی فراروی توسعه پایدار شهری نامیده‌اند (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵، ۲۱۳). این چالشی است که سیستم مدیریت شهرها را با مشکل روبه‌رو ساخته است و رفع آن، اقدامی هم‌سو با توسعه پایدار به حساب می‌آید. مداخلات انجام‌شده در طول دهه‌های اخیر با دیدگاه‌ها و مبانی نظری متفاوتی همراه بوده است (UN-HABITAT, 2003, 34). پیرو آخرین دیدگاه‌ها، اجتماعات دخیل در توسعه این محله‌ها، مهمترین و ماندگارترین منابع این سکونتگاه‌ها به حساب می‌آیند (شفیعا، ۱۳۸۹، ۲۲-۱۹). شناسایی و تحلیل آنها، ورودی باارزشی برای طرح‌های اصلاحی و ظرفیت‌سازی این محله‌هاست. بنابراین استخراج حقایق و توصیف تعاملات اجتماعات مردمی، ابزاری ارزشمند برای برنامه‌ریزی‌های هدف‌گرا به شمار می‌آید.

در این مقاله تلاش می‌گردد تا با استفاده از روش مردم‌نگاری و ثبت مصاحبه و مشاهده‌ها و همچنین گروه‌های اجتماعی و گرایش‌ها و آثار آنها در ساخت‌وساز ناپایدار محله غیررسمی شمیران‌نو واقع در محدوده شهر تهران مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد. در بخش ابتدایی، پژوهش‌ها و نوشتارهای نظری، روش تحقیق و توصیف داده‌های جمع‌آوری‌شده ارائه می‌شود. درنهایت، یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

روش تحقیق

این مطالعه با استفاده از توصیف و تحلیل داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده از روش قوم‌نگاری صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه را ساکنان مشغول به ساخت‌وسازهای غیرمجاز در محله غیررسمی شمیران‌نو (ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران) تشکیل داده‌اند. بنابراین خصوصیت مشترک جامعه مورد بررسی، ساخت بنا یا ساختمان و یا افزایش طبقات جدید به واحدهای مسکونی قدیمی، بدون کسب مجوز رسمی از شهرداری است. نامشخص بودن تعداد افراد این گروه اجتماعی به واسطه غیرقانونی بودن اقدامات، یکی از خصوصیات آنهاست. محدود بودن جامعه هدف باعث شد تا تمامی سازندگان غیرمجاز به مرور زمان شناسایی شوند و مورد مصاحبه قرار گیرند. تحقیق در بازه خرداد تا بهمن ماه ۱۳۸۹ صورت گرفت. ابزار تحقیق،

مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق انتخاب گردید. پیش از انجام مصاحبه‌ها، براساس دیدگاه‌های خبرگان و مطالعات کتابخانه‌ای، سه عامل برای هدایت مصاحبه‌ها و ایجاد حساسیت نظری برای مصاحبه‌کنندگان - مطابق جدول ۱- انتخاب گردید.

جدول ۱. عوامل مورد نظر نگارندگان در هنگام مصاحبه

عوامل مؤثر در شرایط محله	شاخص‌های مورد بررسی
نگاه به محله	پیشینه حضور گروه‌های اجتماعی در محله
	تمایل به محله
مطلوبیت محله	منافع به‌دست آمده از ساخت‌وساز ناپایدار
	ابزار کسب منفعت از ساخت‌وساز ناپایدار در محله
بازدارنده‌های ساخت‌وساز	دلایل و محرک‌های ساخت‌وساز غیرقانونی
	میزان علاقه‌مندی و گرایش گروه‌های اجتماعی به ساخت‌وساز قانونی
	انگیزش‌هایی که گروه‌های اجتماعی را به ساخت و ساز قانونی هدایت خواهند کرد

منبع: نگارندگان

تحلیل نتایج تحقیق پس از جمع‌آوری فیش‌ها، از طریق دسته‌بندی و تحلیل محتوایی و بهره‌برداری از دیدگاه‌های خبرگان صورت گرفت. این فرایند به دلیل انبوه بودن اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در چند نوبت صورت گرفت تا اجماعی در مورد نتایج به دست آید. در نتیجه این بخش از تحلیل را به گونه‌ای می‌توان روش دلفی برشمرد.

روش تحقیق قوم‌نگاری، با این فرض بنا شده است که سازماندهی این نوع از اجتماعات مردمی و تعاملات کنشگران بر اساس هنجارها و استانداردهای مرسوم جامعه شکل نمی‌گیرد. بنابراین تحقیق با ورود عمیق و نفوذی که کمترین تأثیر را در تعاملات اجتماعی نمونه‌ها داشته باشد انجام می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۱، ۵۰-۴۰). بدین ترتیب محقق خود به‌عنوان عضوی از جامعه مورد بررسی، به تحقیق می‌پردازد (دانایی‌فرد، الوانی و عادل‌آذر، ۱۳۸۸، ۱۱۳). استفاده از آشنایان حاضر در محله، برای جلوگیری از خطرهای ناشی از نامرئی شدن و جلوگیری از بدبینی اجتماع محلی به تحقیق، در دستور کار قرار گرفت (سفیری، ۱۳۸۸، ۱۸۷-۱۸۵). بنابراین تحقیق حاضر به مرور زمان و به واسطه ایجاد اعتماد، به شناسایی گروه‌های اجتماعی و توصیف آنها انجامید. گروه‌های شناسایی‌شده و خصوصیات آنها در بخش توصیفات در دسترس‌اند.

مبانی نظری

توسعه ناپایدار سکونتگاه غیررسمی

دو مفهوم پایداری شهری و توسعه پایدار شهری، به دلیل نزدیکی مفهومی، معمولاً به جای یکدیگر به‌کار برده می‌شوند. توسعه پایدار فرایندی است که طی آن پایداری حاصل می‌شود؛ و پایداری دربردارنده مجموعه‌ای از صفات است که در طول زمان دوام می‌یابد (نوابخش و ارجمند سیاه‌پوش، ۱۳۸۸، ۱۴۹). پیتر هال توسعه پایدار شهری را شکلی از توسعه مداوم شهر امروزی می‌داند که متضمن جوامع شهری آینده باشد (Hall, 1993, 23). این پایداری را می‌توان در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی و محیطی تفکیک و تحلیل کرد. توسعه‌ای پایدار است که براساس مفهوم ذهنی جامعه از توسعه‌یافتگی طراحی شده باشد و رشد هیچ یک از ابعاد منوط

به عقب ماندگی ابعاد دیگر نباشد (به طور مثال توسعه اقتصادی به واسطه قطع درختان شهری و حومه، یا توسعه محیطی به قیمت نابودی روابط اجتماعی به دست نیاید). منظور از توسعه پایدار شهری، حفاظت صرف از محیط زیست نیست، بلکه نگاهی جدید به رشد اقتصادی به همراه حفظ عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲، ۵۹). در این میان، محله‌ها به عنوان کوچک‌ترین پاره‌های شهری، نزدیک‌ترین سطح به تعاملات اجتماعی خانوارها به شمار می‌آیند و نقشی مؤثر در شکل‌گیری پایداری شهری دارند. محله رسمی، سکونتگاهی است که در فرآیند طبیعی متابولیسم شهری، به واسطه برنامه مشخص قبلی و یا برنامه‌های تکمیلی شکل گرفته باشد و از نظر نظام مدیریت شهری نیز نهادهای رسمی آن را بپذیرند. بنابراین احتمالاً پیش‌فرض‌های توسعه پایدار، در شکل‌گیری آنها مورد توجه قرار گرفته است. اما توسعه محله‌های غیررسمی معمولاً بدون برنامه و در نبود نظارت رسمی صورت گرفته است. چنین توسعه‌ای ناشی از فشار تقاضای اقشار کم‌درآمد و تلاش گروه‌های ذی‌نفع است.

با بررسی گونه‌های مختلف مطالعه‌شده در ایران می‌توان دریافت که مشکلات مرتبط با تعارض‌های قومی، تراکم بالای جمعیتی، ضعف در تسهیلات مسکن، مسائل اقتصادی خانوارها، سطح پایین مشارکت‌پذیری و شیوع آسیب‌های اجتماعی، همواره الگویی به دور از توسعه پایدار را برای این محله‌ها به همراه داشته است (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵، ۲۲۸-۲۲۱). ساخت‌وساز نابسامان، در زمره مؤلفه‌های مؤثر در توسعه ناپایدار شهری است که خود از گروه‌های اجتماعی و خصوصیات فرهنگی آنها تأثیر می‌پذیرد.

گروه اجتماعی

توسعه بیش از پیش محله‌های غیررسمی، با شکل‌گیری بخش‌بندی‌های اجتماعی همراه است؛ یا به عبارتی، اجتماعاتی که به مرور زمان به واسطه اشتراکات و اختلافات، به تولید شکل‌های کالبدی و اجتماعی و اقتصادی متمایزی می‌پردازند. افزایش ساخت‌وسازهای غیرمجاز، افزایش تراکم، کاهش کیفیت محیطی و افزایش تعارض‌های اجتماعی از جمله نتایج این توسعه به شمار می‌آید. از پیش‌نیازهای نظری تحلیل حقایق اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی، همانا تعریف و شناخت گروه‌های اجتماعی است. از دیدگاه گیدنز، گروه اجتماعی عده‌ای از افراد را شامل می‌شود که به صورت منظم با یکدیگر کنش متقابل دارند. این تعامل منظم و مستمر باعث می‌شود که اعضای گروه به عنوان هویت و شخصیتی مشخص رفتارهای خاصی را نمایش دهند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۳۱۳). فرهنگ شامل برنامه‌ریزی جمعی ذهنی است که اعضای هر گروه اجتماعی را از آن‌های دیگر متمایز می‌کند و شامل اشتراکات در زبان، اقتصاد، مذهب، سیاست، نهادهای اجتماعی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، روش‌ها، و آداب‌ورسوم است (جوینت و وارنر، ۱۳۸۵، ۵۵). تعریف و تشریح فرهنگ‌های موجود در اجتماعات مردمی بسیار پیچیده است، زیرا شرایط زندگی و زمینه‌های وابسته به زمان و مکان را منعکس می‌سازد (کرنگ، ۱۳۸۳، ۳). نمود خارجی این پیچیدگی‌ها را می‌توان در گونه‌های متفاوت ساخت‌وساز غیرمجاز تشخیص داد. بررسی تمایلات، توانمندی‌ها، ابزارها و انگیزه‌های این خرده‌فرهنگ‌ها، مسیری علمی برای مطالعه گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آید (شفیعا، ۱۳۸۹، ۷۸-۸۲). در مطالعات پیشین، آثار و خصوصیات روانی متمایز این گروه‌ها با عنوان گونه‌های اجتماعی شناسایی شده است. این گونه‌شناسی‌ها، مدل‌هایی مناسب برای توصیف حقایق روانی و اجتماعی ساکنان محله‌های

غیررسمی‌اند. بنابراین هدایت مطالعات مردم‌نگاری به‌سوی توجه به مدل‌های اثبات‌شده، زمینه‌غنی‌سازی نظری این مطالعات را فراهم خواهد ساخت.

گونه‌های اجتماعی ساکن در سکونتگاه غیررسمی

ترنر^۱ براساس مطالعات گونه‌شناسی‌اش در محله‌های غیررسمی، سه گروه اصلی را شناسایی کرد. بنیان این تقسیم‌بندی بر تثبیت شرایط اقتصادی و تمایل گروه‌ها برای دستیابی به استانداردهای زندگی شهری استوار است. دسته یکم تازه‌واردان کم‌درآمدی هستند که برای کسب موقعیت شهرنشینی، به این محله‌ها مهاجرت می‌کنند و بنابراین اولویت اصلی آنها اشتغال است. این گروه کمتر در جست‌وجوی استانداردهای زندگی هستند. دسته دوم را گروهی تشکیل می‌دهند که به‌واسطه سابقه پیشین شهرنشینی، شرایط اولیه اقتصادی نسبتاً مطلوب‌تری دارند و تا حدودی به کسب استانداردهای زندگی توجه می‌کنند. دسته سوم افرادی هستند که به واسطه تثبیت موقعیت اقتصادی‌شان در شهر، تنها به دنبال دستیابی به استانداردهای بالاتر سکونتی و تسهیلات شهری‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۸، ۵۹). استوکس^۲ در دسته‌بندی تئوری‌های سکونتگاه‌های غیررسمی به دو خصیصه اصلی شرایط روانی و سطح تحرک و پویایی اجتماعی گروه‌های اجتماعی تأکید دارد. در این گونه‌شناسی، یأس و ناامیدی خصیصه‌ای است که می‌توان از روند ارتقا و بهبود زندگی محله‌های غیررسمی استنباط کرد. پویایی و ایستایی تحرکات اجتماعی به خصوصیات فردی و اجتماعی و فرصت‌های ناحیه‌ای اشاره دارد، که فرد را در موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی مطلوب‌تری قرار خواهد داد. بنابراین از دیدگاه او امکان شکل‌گیری ۴ گروه اجتماعی و ۴ گونه سکونتگاه غیررسمی وجود دارد (Stokes, 2001, 272). گونه‌شناسی استوکس از محله‌های غیررسمی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی از دیدگاه استوکس

گونه‌ها	شرایط روانی سکونتگاه	تحرک اجتماعی	خصوصیت بارز
گونه ۱	امید	متحرک و پویا	حضور در مجاورت شهرهای بزرگ و تحولات زیاد محیطی اجتماعی
گونه ۲	یأس	متحرک و پویا	گروه‌های اجتماعی ته‌نشین شهری که جابه‌جایی‌های مکانی زیادی دارند، ولی امیدی به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی ندارند.
گونه ۳	امید	غیرمتحرک و ایستا	پرخاشگری و مسائل گسترده و فراوان اجتماعی
گونه ۴	یأس	غیرمتحرک و ایستا	فقدان توانایی‌های فردی و اجتماعی، درکنار ناامیدی به بهبود آینده زندگی

منبع: با استفاده از Stokes, 2001, 272

سازمان‌های جهانی این یأس و امیدواری را متأثر از فقدان یا کمبود امنیت سکونتی و فرصت ساکنان برای مالکیت مسکن غیررسمی می‌دانند. احساس امنیت را می‌توان با بهبود مستمر محیط محله و مسکن غیررسمی مشاهده کرد (UNESCAP, 2008, 21). مشخص است که میان این دو دیدگاه، شباهت‌های زیادی وجود دارد. گروه‌های اجتماعی که به دنبال دستیابی به استانداردهای زندگی هستند، در زمره همان گروه‌های امیدوار جای می‌گیرند. از سویی مهاجران تازه‌وارد براساس خصوصیات مبدأ مهاجرت و شرایط احتمالی آینده، در شرایط روانی امید یا یأس قرار

خواهند داشت. نکته درخور تأمل این است که گروه‌های اجتماعی مذکور به واسطه خصوصیات متنوع‌شان با روش‌های گوناگونی مورد ظرفیت‌سازی قرار خواهند گرفت و شرایط پایدارسازی توسعه این محله‌ها، در هریک از گونه‌ها متفاوت با دیگری است.

توصیف میدان‌های تحقیق

از دید مصاحبه‌شوندگان، تمامی ساخت‌وسازهای موجود در محله از نوع غیررسمی و بی‌ضابطه است و درواقع تفاوتی بین انواع سازندگان وجود ندارد. اما براساس نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها، سه گروه اجتماعی متفاوت شناسایی شدند، که پراکندگی فضایی آنها به شکلی است که نوعی هم‌خوانی میان دسترس‌پذیری فضاهای محله و این گروه‌بندی‌ها وجود دارد.

پهنه نخست مستقیماً مشرف به خیابان هنگام (مسیر اتصال محله به خارج) است و به واسطه دسترس‌پذیری مطلوب، با نظارت بیشتر نیروهای شهرداری همراه است. این پهنه عمدتاً محل استقرار گروه اجتماعی «قدیمی‌های ناچار» یا مهاجران اولیه - و فعالیت‌های آنها- است. دلیل اصلی حضور این گروه در پهنه مذکور، شکل‌گیری و توسعه اولیه هسته محله در مجاورت این خیابان است. پهنه دوم از غرب به پادگان نیروی دریایی و از شرق در مجاورت خیابان پاکدامن (دومین سطح دسترسی برای خروج از محله) قرار دارد. این پهنه تنها از طریق یک خیابان اصلی به خارج محله متصل شده است و در ساعت‌های بعدازظهر، ترافیک سنگینی دارد. گروه اجتماعی «سودجویان مهاجر» یا کسبه مشغول به ساخت، بخش بیشتری از این پهنه را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل این انتخاب، وجود خانه‌های کلنگی و امکان ساخت خانه‌های با منزلت اجتماعی و ارزش اقتصادی در حد متوسط است. پهنه سوم که در بخش‌های کمتر دسترس‌پذیر محله قرار دارد، از شمال و شرق به اتوبان زین‌الدین محدود است (بدون هیچ دسترسی)، و از غرب نیز به پادگان نیروی دریایی. این پهنه در تمام ساعت‌های روز به واسطه ریزدانی ساختمان‌ها و کم‌عرض بودن خیابان‌ها، با مشکل تردد روبه‌روست. گروه اجتماعی «مهاجران مهاجرپذیر» یا مهاجران ده سال اخیر، بیشترین تراکم این پهنه را به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب می‌توان این گروه‌های سه‌گانه را بدین صورت توصیف کرد:

گروه یکم، با عنوان قدیمی‌های ناچار

این دسته از سازندگان غیرقانونی، زمان زیادی است که در محله سکونت دارند و به واسطه این حضور طولانی، خود را مالکان قدیمی محله می‌دانند. ساخت‌وسازهای جدید این گروه اجتماعی به واسطه رسیدن نسل‌های دوم و سوم به سن ازدواج، رونق می‌گیرد. بنابراین انگیزه اصلی این دسته، خانه‌دار کردن زوج‌های جوان خانواده و کاهش هزینه‌های مربوط به مسکن‌دار شدن آنهاست. معمولاً این واحدها با راه‌پله‌های باریک یا نردبان‌های موقت به یکدیگر متصل می‌شوند. الگوی همسایگی و سکونت قومی خویشاوندی این گروه، باعث ایجاد احساس امنیت ویژه‌ای در اقدام به ساخت‌وسازهای غیرمجاز شده است. به همین خاطر این گروه اجتماعی برای ساخت‌وسازهای خود از روابط غیررسمی استفاده می‌کند و کمتر با مأموران شهرداری درگیر می‌شود. قومیت‌های ترک و فارس از جمله قومیت‌های برجسته این گروه‌اند، که در این میان ترک‌ها بیشتر از شهرستان‌های میانه و تبریز و فارس‌ها از اراک و همدان به این محله آمده‌اند. این گروه گرایش شدیدی به زندگی قومی دارد و این تمایل را با جذب هم‌زبانان و همشهری‌ها

در کنار خود تکمیل می‌کند. همچنین معمولاً با همسایه‌ها و اهل کوچه رابطه‌ای صمیمی دارد و به واسطه این همبستگی در شرایطی که مورد تهاجم خارجی قرار گیرد، به شدت منسجم و هماهنگ عمل می‌کند. افراد این گروه به ورود غریبه به محوطه زندگی‌شان بسیار حساس‌اند و با احاطه کردن فرد غریبه، به دنبال درک نیت وی هستند. در صورت جلب اعتماد و ورود صحیح به این اجتماع، رفتار آنان دوستانه است و مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و محیطی‌شان را مطرح می‌کنند. اما در صورت احساس خطر، دست به عکس‌العمل‌های شدید می‌زنند و فرد مهاجم را در شرایط نامناسبی قرار می‌دهند. اینان در قضاوت‌های‌شان منصف‌اند و در پاره‌ای از موارد با مسائل به شکل احساسی برخورد می‌کنند. تأسیس حسینیه و برگزاری برنامه‌های مذهبی دوره‌ای، نشانه تمایلات خاص مذهبی نسل‌های اولیه این گروه است که به صورت خودجوش و منسجم رواج می‌یابد. تمایل‌های این گروه برای ورود به مشارکت غیررسمی به حدی زیاد است که در پاره‌ای موارد، افراد گروه پروژه‌های نیمه‌کاره شهرداری را به صورت مشارکتی به اتمام می‌رسانند. این گروه دارای آگاهی و اطلاع مناسب از اعضا و کارهای شورای محله است. تمامی این شواهد، امیدواری افراد این گروه را به بهبود زندگی نشان می‌دهد. بیشتر آنان پیش از اقدام به ساخت‌وساز غیرقانونی، دست‌کم یک بار به شهرداری مراجعه کرده‌اند. این تمایل به رعایت قانون، پس از رفت‌وآمدهای متعدد به نهادهای شهری و مشخص شدن مشقات طی کردن فرایند قانونی، به مرور تبدیل به سرخوردگی می‌شود.

راهنمایی‌های نزدیکان، این گروه اجتماعی را به پذیرش اصل «قابل خرید بودن هر نوع خلاف ساختمانی و تعرفه‌دار شدن ساخت‌وسازهای غیرمجاز» هدایت می‌کند. در جمله‌هایی که بر زبان می‌آورند، تفاهم با نایب یا نماینده شهرداری، هم‌معنای تفاهم با قوانین شهرداری است. اینان به همین خاطر هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی را که برای این نوع از ساخت‌وسازها می‌پردازند، اخلاقی می‌دانند. آنها به واسطه سوابق و تجارب پیشین نزدیکان‌شان، از تعرفه‌های ساخت‌وساز غیرمجاز مطلع‌اند و معمولاً برای شروع کار، تمامی جوانب را در نظر می‌گیرند. آنها می‌پذیرند الگوی ساخت‌وسازی که در پیش گرفته‌اند، شکل چندان مطلوبی به محیط کالبدی و اجتماعی محله نداده است. اما ناچاری و ضعف مالی، تنها استدلال آنها برای تداوم این اقدامات است. آنها ساخت‌وساز و مالکیت زمین را این‌گونه می‌نگرند: «...زمین مال خداست و استفاده از آن آزاد است»، «...زندگی نزدیک خانوادگی در شرایط سخت اقتصادی با این نوع از ساخت‌وساز ممکن است»، «...قانون برای ما احترام دارد اما به جای چوب لای چرخ ما کردن بیاید کمک‌مان کند».

از نظر آنها نزول شدید کیفیت زندگی در محله، ناشی از ساخت‌وسازهای گروه‌های دیگر اجتماعی و ضعف در نظارت نیروهای شهرداری است. این گروه تأثیر اقدامات خود را کمتر از اقدامات گروه‌های دیگر می‌داند و صمیمیت و نزدیکی اجتماعی موجود در کوچه‌های خود را دلیل این مدعا برمی‌شمارد. به همین خاطر در پس‌زمینه ذهنی این گروه، استانداردهای مشخصی برای زندگی تعریف شده است، که در نتیجه همان‌ها، شباهتی با گروه یکم ترنر - و یا از آن دست - ندارد. ساخت‌وسازهای این گروه به واسطه آنکه بیشتر جنبه درون‌خانوادگی و پدر و فرزندی دارد، منجر به جذب مهاجران از شهرستان‌های دیگر نمی‌شود. آنها می‌سازند تا به سکونت نسل‌های بعدی خود سامان دهند و از همین‌روست که افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی را در واحد مسکونی یا ساختمان و کوچه خود را هم تحمل می‌کنند، زیرا تجمع اعضای خانواده را در کنار هم مطلوب می‌دانند. از آثار نامطلوب ساخت‌وساز این گروه می‌توان به افزایش جمعیت و کمبود فضا

برای پارک خودرو اشاره کرد که مشکل عمومی تمامی کوچه‌های محله است. به واسطه انسجام اجتماعی نسبی، نزاع و درگیری‌های خیابانی کمتری در کوچه‌های آنها مشاهده می‌شود. تصور آنها از واحدهای مسکونی کوچک اما چندطبقه، همانا چهاردیواری و سرپناهی از روی ناچاری است. آنان با تمام گرفتاری‌ها و سختی‌هایی که به واسطه کمبود فضا برای زندگی در محله متحمل می‌شوند، فکر نمی‌کنند جایی مناسب‌تر از این محله برای سکونت و نزدیکی با اقوام و خانواده درجه یک خود بیابند. شلوغی سر سفره‌های شام و ناهار نعمت خدا شمرده می‌شود و آنان برای پذیرش مهمان و خویشاوند بسیار ساده‌گیر و دست‌ودلباز هستند. بنابراین در صورتی که قرار باشد پروژه‌ای به‌منظور بهسازی و نوسازی مسکن آنها انجام شود، در اختیار قرار گرفتن مکانی با تمام این خصوصیات برای نقل گروه خویشاوندی، ضروری می‌نماید. از سویی نسل‌های دوم و سوم مهاجر، که تحصیلات چندانی ندارند، به واسطه خاطرات زیادشان از محیط محله، علاقه زیادی به تغییر شرایط محله نشان نمی‌دهند. از دیدگاه آنها کیفیت زندگی و مطلوبیت فضای زندگی، همین شرایط فعلی است. اما نسل‌های دوم و سوم که تحصیلات بیشتر از دیپلم دارند، محیط محله را مطلوب نمی‌دانند و برای خروج از محله هر تلاشی می‌کنند. این بخش محدود از جوانان، به محض فراهم شدن شرایط، به خروج از محله اقدام می‌کنند و ارزش‌های جدید جامعه شهرنشینی را ارج می‌نهند. به همین خاطر بوده که در این گروه اجتماعی، هر دو طیف پویایی و ایستایی اجتماعی در کنار امیدواری یا ناامیدی به آینده، مشاهده شده است.

گروه دوم، با عنوان مهاجران مهاجرپذیر

از حضور اولیه این دسته از سازندگان غیرقانونی در تهران، معمولاً بیشتر از ده سال نمی‌گذرد؛ و بنابراین هریک از افراد این گروه می‌تواند عضوی از دسته‌بندی‌های یکم و دوم ترنر باشند. در نمونه مورد بررسی، مبدأ مهاجرت این گروه عموماً از شهرستان سبزوار است که به بخش‌هایی با منزلت اجتماعی و ارزش اقتصادی پایین‌تر در محله پناه برده‌اند. البته جای توجه است که شهرستان سبزوار در این محله، ساکنان قدیمی زیادی دارد که به نوعی در گروه قبلی نیز حضور داشتند؛ اما خصوصیتی چون زمان حضور کم یا اشتغال وابسته به وانت و سبک خاص ساخت‌وساز، این گروه را از دیگران متمایز ساخته است. ورود این گروه اجتماعی به محله به‌واسطه ارزانی نسبی محله در قیاس با شهر تهران است. این گروه پس از آشنایی با سبک زندگی رایج محله، به تشویق همشهریان‌شان، به مهاجرت به تهران و سکونت در این محله گرایش پیدا می‌کنند. شغل اصلی آنها، عموماً میوه‌فروشی است و وسیله کار یا محل کسب آنها نیز وانت‌بار. ایجاد مشکل جای پارک، یکی از مسائل این گروه برای محله است. دیگر ساکنان محله از سروصدا و مزاحمت‌های همسایگی این گروه ناراضی‌اند و چندان به نیکی از آن یاد نمی‌کنند. البته می‌بایست توجه داشت که آلودگی‌های صوتی این دسته به واسطه پرسه‌زنی‌های روزانه در کوچه‌ها برای فروش میوه، تنها محدود و مختص کوچه‌های محل سکونت آنها نیست. همچنین گفتنی است به‌واسطه عادات متفاوت و الگوی زندگی غیرهمگون، و رسوم مذهبی که از آن به عنوان فرهنگ رایج یاد شود مشاهده نشد. آنها در مقایسه با دیگر ساکنان محله از شرایط زندگی در محله رضایت بیشتری دارند و کمتر از نظافت و مشکلات اجتماعی شکایت می‌کنند. این مؤلفه از خصوصیات اصلی گروه‌های اجتماعی دسته نخست ترنر است. هدف اصلی آنها از ساخت‌وساز غیرمجاز، دسترسی به مسکن ارزان‌قیمت در شهر تهران است. بنابراین الگوی ساخت‌وساز غیرشهری را می‌توان در بخش‌هایی که این گروه در آنها سکونت دارند، مشاهده کرد. در میان این گروه اجتماعی مراجعه

به شهرداری برای ساخت‌وساز مجاز مرسوم نیست. روابط غیررسمی و مذاکرات مخفیانه با رابطان شهرداری، چراغ سبزی است برای شروع ساخت‌وسازهای شبانه. این‌گونه ساخت‌وسازها به واسطه وضعیت مالی آنها، تنها با نامسازی و بالا رفتن ظاهری طبقات شروع می‌شود و به مرور و با جذب منابع مالی بیشتر، تا به درون ساختمان به پیش می‌رود. آنها این نوع از ساخت‌وساز را چنین توصیف می‌کنند: «...وقتی ظاهر طبقات ساختمان تثبیت شد، دیگر نگران داخلش نیستیم»، «...وضعیت مالی‌ام در شرایطی نیست که هم حق ساخت‌وساز غیرمجاز را بدهم و هم تمام واحد را بسازم»، «...اگر ناظران و همسایه‌ها با ظاهر طبقات مشکل نداشته باشند، کسی به داخلش کاری ندارد». بدین ترتیب، در بخش‌هایی که این گروه در آنها مشغول ساخت‌وساز هستند، معمولاً از روی ظاهر ساختمان‌ها نمی‌توان تعداد طبقات را پیش‌بینی کرد. البته در میان ساخت‌وسازهای این گروه اجتماعی، نمونه‌های دیگری چون خیمه زدن در پشت بام یا ساختن آلونک در حیاط خانه نیز مشاهده شده است.

این گروه اجتماعی معمولاً کمتر به کیفیت ساخت و مقاوم‌سازی بنا توجه می‌کنند. بنابراین به دلیل تمامی شرایط اشاره‌شده، این دسته به بخش‌های کمتر دسترس‌پذیر محله گرایش دارند تا از چشم ناظران شهرداری دور بمانند. آثار و پیامدهای ساخت‌وسازی این گروه به شدت بر افزایش مهاجران خارج استانی تأثیرگذار است و الگوی نسبتاً ناپایداری را به محیط محله تحمیل می‌کند. پاسخ‌ها به این پرسش که «آیا می‌دانید این نوع ساخت غیرقانونی است»، از این دست بوده‌اند: «...همه ساختند، ما هم ساختیم؛ ما نسازیم دیگران می‌سازند...»، «... اینجا قانونش با جاهای دیگر فرق می‌کند...»، «...قانون یعنی رفع مشکل من و امثال من... و وقتی این کار را نکنی خودم قانون خودم را دارم...» و «هر راهی که من را به آسایشم برساند می‌روم»، اما از شواهد پیداست که آنان از نتایج ساخت‌وسازهای‌شان مطلع‌اند. آنها در عین عدم رعایت قوانین، در زمان گرفتاری و مشکلات، قانون و نظام کشوری را مسئول حل مشکلات‌شان می‌دانند. بنابراین از قانون و اهداف آن مطلع‌اند، اما مصلحت خود را در اولویت قرار می‌دهند. آنها ساخت‌وساز قانونی را در شرایطی پذیرا هستند که هزینه‌های روش‌های قانونی از مسیر فعلی کمتر باشد، و امکان دریافت سند رسمی نیز امکان‌پذیر.

بخش‌هایی از محله که به واسطه تراکم بیش از حد خانوارهای این گروه صورت اجتماعی کاملاً بسته ای پیدا کرده است، دارای انسجام اجتماعی زیاد و نفوذپذیری اندک است. این انسجام، بر خلاف گروه قبلی، بر محیط اجتماعی و اقتصادی محله کمتر تأثیرگذار است و تنها به اعضای موجود در شبکه‌های اجتماعی آن منفعت می‌رساند. این گروه محل سکونت را تا در ورودی ساختمان می‌دانند و احساس مسئولیت چندانی در برابر کوچه و خیابان‌های محله ندارند. آنها در مقابل افراد غریبه‌ای که به حریم محله و کوچه‌شان وارد می‌شوند، بسیار سرد و بی‌اعتنا برخورد می‌کنند و تمام تلاش‌شان این است که نشان دهند «...چیزی ندیده‌اند»، «...از چیزی آگاه نبوده‌اند»، «...مدت زیادی در این محله نیستند و نخواهند ماند». اما در شرایطی که به واسطه اعتماد، زمینه ورود به شبکه‌های اجتماعی آنها فراهم شود، برخورد متفاوتی از خود نشان می‌دهند. رفتارهای دوستانه و مهمان‌نوازانه، برجسته‌ترین خصوصیت این گروه از نگاه درونی است. تنها تفاوت این گروه با دیگر بخش‌های اجتماعی محله، کمتر توسعه‌یافتگی شاخص‌های اقتصادی و فرهنگی است. در پذیرش اینکه اقدام‌شان چه آثاری و تبعاتی را برای محله به بار آورده است، از پاسخ دادن می‌گریزند و به راحتی مصاحبه را ترک می‌گویند. خود آنها ارزانی، سادگی ساخت‌وساز و آستانه جمعیتی بالا را دلایل اصلی حضورشان در این محله اعلام کرده‌اند و از اینکه محله شلوغ‌تر

می‌شود بسیار خوشحال‌اند، زیرا کسب‌وکار آنها رونق خواهد گرفت. از جنبه خصوصیات عمومی، آنها افرادی زحمتکش و فعال‌اند و در حالی که مشکلاتی را برای همسایگان به وجود می‌آورند، در موقعیت‌های بحرانی و شرایط نیاز، برخوردی دوستانه و مسئولانه با همسایه‌های دیوار به دیوارشان دارند.

اگر قرار باشد پروژه‌های برای بهسازی محله آغاز شود، این گروه به عنوان پیشقدم حاضرند زمین و خانه خود را معامله کنند و در قبال دریافت پول خوب از این محله جابه‌جا شوند. معیار پول خوب برای این گروه اجتماعی، حدی است که بتوانند کسب‌وکاری ثابت و مطمئن، به همراه یک واحد آپارتمانی تهیه کنند. آنان برای حفظ انسجام اجتماعی به دست آمده در محله تعصبی ندارند و آن را وسیله‌ای برای امنیت اجتماعی و اقتصادی خود می‌دانند. بنابراین در صورتی که شرایطی فراهم شود و این امنیت به شکلی دیگر فراهم گردد، به راحتی از روابط اجتماعی موجود درمی‌گذرند. امیدواری عمومی این گروه اجتماعی به آینده کاری در شهر، آنها را جزو گروه‌های امیدوار قرار می‌دهد. از سویی هم میزان قابلیت‌های فردی و اتصال به شبکه‌های اجتماعی متفاوت، آنها را در محدوده دو طیف پویا و ایستا از نظر تحرکات اجتماعی قرار می‌دهد. با آنکه این گروه از نگاه دیگر ساکنان با آسیب‌های فراوان محیطی و اجتماعی همراه‌اند، اما ساخت‌وسازهای غیرمجاز آنها زمینه‌ساز ایجاد خانه‌های فساد و آسیب‌های اجتماعی نیست، زیرا هدف اصلی آنها از ساخت‌وساز، اسکان خانوار و کسب منفعت از فزونی جمعیت حاضر در محله است.

گروه سوم با عنوان سودجویان مسافر

این گروه را سازندگان فرصت‌طلبی تشکیل می‌دهند که از آگاهی و شناختی که از محله دارند، سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین حضور این گروه اجتماعی در محله تنها به منظور کسب منفعت از ساخت‌وسازهای بی‌قاعده است و گروه مورد بحث در برابر کیفیت زندگی و بهبود محیط اجتماعی بی‌تفاوت است. بدین ترتیب اگر این گروه، جزئی از محله فرض شود، در زمره دسته‌های کم‌توجه به استانداردهای زندگی جای می‌گیرد. شغل افراد بسازوبفروشی یا به زبان رایج خودشان «...بساز و بندازی...» است که در انطباق و همزیستی با تقاضای موجود در این محله، بومی‌سازی شده است. تنها مؤلفه‌ای که تفاوت کیفیت ساخت‌وسازهای بر جای مانده از اعضای این گروه اجتماعی را تعدیل می‌کند، میزان اعتقادات مذهبی و ترس از خدا در زمینه حق‌الناس است. آنان به طور معمول ساختمان‌های یک‌طبقه محله را خریداری، و پس از مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم با نمایندگان شهرداری، آن را به ۲ طبقه تبدیل می‌کنند. این ساخت‌وسازها که با رعایت اصول شهرسازی انجام نمی‌شوند، به خاطر ضعف نظارتی نهادهای شهری و دسترسی به رانت‌های اطلاعاتی، به سرعت به پیش می‌روند و ظاهری کاملاً مشابه ساختمان‌های استاندارد شهری به خود می‌گیرند. سازندگان به خاطر برقراری روابط نزدیک با نیروهای شهرداری، از زمان‌های گشت دوره‌ای ناظران شهرداری باخبر می‌شوند و در این ایام ساخت‌وساز را تعطیل می‌کنند. آنها به همین دلیل برنامه‌های زمانی بس شناور و نامشخصی برای ساخت‌وساز دارند. ساخت‌وسازهای این گروه - برخلاف گروه قبلی - با اولویت ساخت از درون به پیش می‌رود. به بیانی، پس از تثبیت ستون‌ها و چارچوب ساختمان، اولویت اصلی به ساخت الزامات درونی واحدهای آپارتمانی داده می‌شود.

از جمله گفته خودشان است که: «... همین‌که آدم حق و حساب ساخت‌وساز را هر ماهه بدهد، نگرانی برای ادامه کار ندارد...»، «...داشتن روابط برای ساخت‌وساز در این محله بسیار مهم‌تر

از دانستن قوانین ساخت‌وساز است...»، «... من کسی را مجبور نمی‌کنم که واحدهایم را بخرد... بنابراین هر چه پیش بیاید پای خودشان است...».

الگوهای اخلاقی و عادات مذهبی مشاهده‌شده از این گروه اجتماعی، بسیار متفاوت‌اند؛ و به همین خاطر نمی‌توان قضاوتی دربارهٔ رسوم و پیشینه و قومیت آنها کرد. اما در بیشتر نمونه‌های مصاحبه‌شده، ضرورت دارا بودن یک نسل سابقه سکونتی در محله و توانایی مالی حداقلی برای شروع نخستین ساخت‌وساز، تأیید شد. بنابراین شرایط عمومی آنها نشان از امیدواری نسبی برای آیندهٔ زندگی و پویایی تحرکات اجتماعی دارد.

کمتر پیش می‌آید که پس از چند ساخت‌وساز، اعضای خانواده این افراد در محله باقی بمانند و بقای خانواده تداوم یابد. به گفتهٔ خود آنها «...این محله جای زندگی نیست...»، «...این محله امنیت لازم را در برابر زمین‌لرزه ندارد...»، «...این محله برای ما، پلی است با هدف پرتاب خانواده به بالای شهر...».

بنگاه‌های مسکن محلی و کارگاه‌های سنگ‌بری و تعویض روغنی‌ها، مکان‌هایی هستند که این گروه اجتماعی برای گذران اوقات فراغت خود با دوستان و همسالان و همگنان‌شان برمی‌گزینند. صاحبان بنگاه‌ها به زبان خودمانی آنها را «...تازه به دوران رسیده‌های محله...»، «...فرصت‌طلب‌های فراری...» و «...دوستان قدیمی...» و نظایر اینها نام نهاده‌اند. در قبال این نقد که اقدامات آنها محله را ناامن و پرجمعیت کرده است، بسیار آرام و بدون اضطراب برخورد می‌کنند و این‌گونه جواب می‌دهند: «...اینها ساخت‌وسازهای مخصوص ساکنان این محله‌هاست...»، «...اگر خریدار نداشت، نمی‌ساختیم...» و «...اینجا اقبال ضعیفی ساکن‌اند، که توان پرداخت هزینه‌های سنگین شهری را ندارند...». آنان به هر حال پذیرفته‌اند که ساخته‌های‌شان ایمنی لازم را در برابر زمین‌لرزه ندارند. بنابراین با آگاهی کامل به پیامدهای اقدامات‌شان به این نوع ساخت‌وساز می‌پردازند. گروه‌های مختلفی هم به خرید خانه‌های آنها سوق داده می‌شوند و این ساخت‌وسازها به نوعی فرصت و امکان جذب کردن مهاجران خارج استانی و داخل استانی و نیز افراد غیربومی و ناآشنا را بیشتر می‌کنند. واحدهای ساخته‌شدهٔ این افراد، افزون بر پیامدهای طبیعی، در بردارندهٔ پیامدهای اجتماعی زیادی نیز هستند. برخی از آنها، زمینه‌ساز ایجاد خانه‌های مجردی و زیرزمین‌های مسئله‌دار هستند. همچنین مشاهده شد که برخی از این واحدها به مرور تبدیل به خانه‌های توزیع مواد مخدر و الکل شدند، و رفت‌وآمدهایی مشکوک در آنها صورت می‌گرفت که امنیت اجتماعی کوچه‌های محله را مخدوش کرده‌اند. اگرچه ساخت‌وسازهای دیگر گروه‌های اجتماعی نیز احتمال تبدیل شدن به این مکان‌ها را دارند، همان حضور نداشتن سازندگان در محله، به همراه بی‌تعهدی‌شان به آینده محله، امکان تخریب‌گری اجتماعی این ساخته‌ها را بیشتر از آنها می‌کند. فقط انگیزه‌های مالی و پشتیبانی‌های حقوقی می‌توانند این دسته را به ساخت‌وسازهای استاندارد سوق دهند. اینان پروژه‌های بهبود و بهسازی محله را نیز محل کسب‌وکار خود ارزیابی می‌کنند، چرا که موجب بهبود شرایط محیط و افزایش قیمت‌ها و مانع ارزانی و رونق بازار ساختمان‌های آنها می‌شوند.

با آنکه نتایج به‌دست آمده از ساخت‌وسازهای این گروه اجتماعی با ناپایداری‌های مختلف محیطی و اجتماعی محله همراه بوده است، اما به هر حال امکان قضاوت در مورد شخصیت فردی اعضای این گروه اجتماعی را فراهم نمی‌سازد. ناگفته نماند که در بخشی از نمونه‌های مشاهده‌شده، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعهدات اخلاقی در سطح مناسب و پذیرفتنی بوده است.

تحلیل یافته‌های تحقیق

طبق نتایج به دست آمده از تحقیق مشخص گردید که گروه‌های سه‌گانه‌ای با منافع متفاوت، در محله مورد بررسی به ساخت و ساز مشغول‌اند. هر یک از این گروه‌ها به واسطه دارا بودن ابزارها، توانایی‌ها و تمایلات، به گونه‌های متفاوتی بر کیفیت تحولات محله‌ای تأثیر می‌نهند و بی‌توجهی به آثار متفاوت آنها، تحقق طرح‌های توسعه شهری و محله‌ای را با دشواری و معضل مواجه خواهد ساخت. در جدول ۳ خلاصه‌ای از منافع متفاوت کسب‌شده گروه‌های اجتماعی این تحقیق از محله درج شده است.

جدول ۳. منافع مفروض و کسب‌شده گروه‌های اجتماعی ساکن و فعال در محله

گروه‌های اجتماعی محله	نوع منفعت کسب‌شده از محله		
	اجتماعی	اقتصادی	محیطی
گروه یکم	مجاورت سکونتی با خانواده و قومیت‌های آشنا و بهره‌مندی از پشتیبانی و همبستگی اجتماعی - خانوادگی	کاهش هزینه‌های زمین و سرپناه برای اسکان فرزندان و اقوام تازه ازدواج کرده	استفاده از روابط فردی و همبستگی اجتماعی برای ساخت واحد جدید بدون مقاومت یا اعتراض هم‌محلی‌ها
گروه دوم	تمایل به زندگی بسته با همسفری‌های مهاجر و بهره‌مندی از پشتیبانی اجتماعی مقطعی	کسب درآمد بیشتر به واسطه استفاده از فزونی تراکم جمعیت و رونق کسب‌وکار سیار	استفاده از ناهنجاری‌های محیطی برای افزایش تراکم/ تقسیم هر واحد مسکونی به چند اتاق/ استفاده از فضاهای مرده برای اسکان مهاجران جدید و پیرو
گروه سوم	کسب منزلت اجتماعی بالای شهرنشینی و خروج از محله	کسب سود مالی از ساخت و ساز غیررسمی و غیرقانونی	منفعت‌طلبی اقتصادی با استفاده از ناهنجاری‌های محیطی برای ساخت واحدهای مسکونی نوساز اما غیرمقاوم

منبع: نگارندگان

بنابراین اقدامات گروه یکم در حالی که با انسجام اجتماعی بخش‌هایی از محله همراه است و زمینه خانه‌دار شدن جوان‌ترها را فراهم می‌سازد، از سرانه‌های استاندارد زندگی محله‌ای می‌کاهد و باعث متراکم شدن محله می‌شود.

اقدامات گروه دوم هرچند ایجاد انسجام اجتماعی را ممکن می‌سازد، اما انسجام اجتماعی در شبکه اجتماعی بسیار بسته با هنجارهای نسبتاً مخالف محیط محله را به همراه دارد. افزایش تراکم و جمعیت‌پذیر شدن محله، باعث رونق اقتصادی این گروه اجتماعی است. گروه سوم به دلیل بهره‌برداری صرفاً اقتصادی از محیط محله و کم‌توجهی به مسائل اجتماعی، در کنار ناپایداری محیطی، زمینه‌ساز بدترین نوع آسیب‌های اجتماعی است. جدول ۴ نشان می‌دهد که گروه‌های سه‌گانه تحقیق، با سطوح گوناگونی از سابقه سکونتی و گرایش و دلسوزی متفاوت به محیط محله همراه‌اند.

جدول ۴. گرایش و نگرش گروه‌های اجتماعی در قبال محله

نوع نگاه به محله	گرایش به محله	قدمت حضور در محله	گروه‌های تحقیق
دستیابی به کیفیت زندگی بهتر در تعامل و برخورد دوجانبه در سطوح درون‌خانوادگی و کوچه	زیاد در نسل‌های یکم - متفاوت در نسل‌های دوم و سوم متناسب با سطح تحصیلات	زیاد	گروه یکم
کسب منفعت در رابطه‌ای یکجانبه	محله وسیله ای است برای اشتغال سیار و جذب و اسکان مهاجران پیرو و همشهری	نسبتاً کم	گروه دوم
نگاه ابزاری بدون هیچ وابستگی به محله	کسب منفعت اقتصادی از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیرمقاوم در محله	متوسط (دارای سابقه سکونتی به واسطه یک نسل قبل)	گروه سوم

منبع: نگارندگان

بدین ترتیب، نتایج نشان از آن دارند که تنها گروه نخست، که دارای سابقه سکونتی بیشتر و روابط پویاتری است، فرصت و امکان جبران محدود آسیب‌های بر جای مانده از ساخت‌وسازهای خود را دارد؛ و این زمینه برای گروه‌های دیگر کمتر مهیاست. اما پاسخ این پرسش را که عوامل انگیزاننده کدام‌اند و دلایل اصلی ورود گروه‌های تحقیق به ساخت‌وساز غیرمجاز چیست، می‌توان در جدول ۵ مشاهده کرد.

جدول ۵. عوامل ورود گروه‌های اجتماعی به ساخت‌وسازهای ناپایدار

عوامل انگیزاننده	میزان علاقه به فرایند رسمی ساخت‌وساز	دلیل مراجعه نکردن به نهادهای مدیریت شهری	گروه‌های تحقیق
نگهداشت واحد مسکونی در محله یا انتقال دسته‌جمعی به محله ای دیگر	بسیار علاقه‌مند	پیچیدگی و مشقت طی فرایندهای رسمی/ضعف توانایی‌های فردی	گروه یکم
موازنه بین ارزش سکونت و در دسترس بودن شرایط کسب‌وکار سیار/سنددار شدن	کم‌علاقه /تصمیم‌گیری بستگی به صرفه اقتصادی دارد	گریزان بودن از فرایندهای رسمی	گروه دوم
کسب منفعت صرفاً اقتصادی	بی‌علاقه / وابسته به صرفه اقتصادی و سود به دست آمده از ساخت‌وساز	به‌صرفه بودن مسیرها و سازوکارهای غیررسمی ساخت‌وساز	گروه سوم

منبع: نگارندگان

نتایج به دست آمده نشان از تفاوت دلایل ورود هریک از گروه‌های اجتماعی به فرایند ساخت‌وساز غیرمجاز با گروه دیگر دارد. شرایط گروه نخست به‌گونه‌ای است که این گروه در صورت پیشنهاد روش‌های اصلاحی کم‌هزینه و تسهیل‌شده، شرایط همکاری و اثرگذاری در محله را دارد. شرایط گروه دوم به نحوی است که می‌بایست موازنه‌ای میان شرایط زندگی و کار با پیشنهادهای اصلاحی برقرار باشد تا بتوان وارد چرخه بهبود سکونتگاهی شد. گروه سوم به واسطه منفعت‌طلبی صرفاً اقتصادی، تنها در صورت الزام‌های مؤثر و یا کمک‌های مالی و حقوقی وارد چرخه ساخت‌وساز پایدار خواهد شد.

بحث و بررسی

پس از مشخص شدن خصوصیات گروه‌های اجتماعی سه‌گانه محله و با مراجعه به مبانی نظری گونه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، جدول ۶ استخراج گردید.

جدول ۶. گونه‌شناسی گروه‌های تحقیق

گونه‌شناسی استوکس	گونه‌شناسی ترنر		تحلیل نتایج بر اساس مبانی نظری
	شرایط روانی	تحرك اجتماعی	
گروه‌های دوم و سوم	امید و یأس	پویا و ایستا	گروه یکم
گروه‌های اول و دوم	امید	پویا و ایستا	گروه دوم
شواهد دسته سوم	شواهد امید	شواهد پویا	گروه سوم

منبع: نگارندگان

گروه نخست تحقیق یا همان مهاجران اولیه محله، در شرایط روانی امید و یأس به سر می‌برند. در این گروه نسل‌های جوان‌تر به واسطه دسترس‌ی به شبکه‌های اجتماعی مؤثرتر و سطح تحصیلات بالاتر، پویایی اجتماعی بیشتری نیز داشته‌اند. هرچند این پویایی باعث مهاجرت آنها به خارج از محله خواهد شد اما در بلندمدت برای اعضای خانواده خود فرصت‌سازی خواهند کرد. از سویی گروه‌های مسن‌تر و کم‌سوادتر، فاقد این شرایط تحرک‌اند. در این گروه اجتماعی، هر دو خصوصیت شرایط روانی و تحرک اجتماعی مشاهده گردید. ضمناً به واسطه تثبیت نسبی شرایط اقتصادی و اهمیت دادن این گروه به استانداردهای شهری، گروه مورد بحث جزو دسته‌بندی‌های دوم و سوم استوکس قرار می‌گیرد. گروه دوم تحقیق که شامل مهاجران تازه‌وارد و مهاجرپذیر است، به واسطه انگیزه‌های زیاد برای بهبود شرایط اقتصادی در شرایط روانی امید قرار دارد. میزان مهارت‌ها، خصوصیات فردی، دسترس‌ی به شبکه‌های اجتماعی و سطح تحصیلات متفاوت، این گروه را در میان دو طیف پویا و ایستای تحرک اجتماعی قرار داده است. به واسطه تازه‌وارد بودن و تثبیت کمتر موقعیت اقتصادی در شهر، این گروه در دسته‌های یکم و دوم استوکس قرار دارد. گروه سوم تحقیق را که شامل سازندگان ناهنجار و سودجویان فراری است، به دلیل عدم تمایل به حضور در محله، نمی‌توان به‌عنوان گروه‌های ساکن برشمرد. اما با پذیرش ضمنی افراد این گروه به عنوان ساکنان قدیمی محله، شواهد امیدواری و پویایی تحرکات اجتماعی این گروه پذیرفتنی است. از سویی هم جست‌وجو برای دستیابی به استانداردهای بالای زندگی که این گروه اجتماعی را به مهاجرت به محله‌های بهتر شهری سوق می‌دهد، دلیلی است برای قرار دادن آنها در دسته سوم گونه‌شناسی استوکس.

نتایج نشان از آن دارند که محله، دربردارنده ترکیبی از گونه‌های اجتماعی شناخته شده است و تمرکز نسبی هر یک از گروه‌ها در بخش‌هایی از محله، باعث ایجاد خرده‌فرهنگ‌های مختلف ساخت‌وساز و کیفیت‌های متفاوت اجتماعی و محیطی شده است. بنابراین تفاوت قیمت نسبتاً زیاد میان پهنه‌های محله به واسطه این خصوصیات بارز، جزو نمودهای ظاهری گروه‌بندی‌های اجتماعی است. در نتیجه مداخله برای بهبود شرایط این‌گونه محله‌ها، در هر پهنه دیگر با پیش‌نیازها و الزامات ویژه‌ای همراه است.

نتیجه‌گیری

مطالعه قوم‌نگاری حاضر نشان داد که گونه‌های سه‌گانه اجتماعی، با شرایط روانی و تحرکات اجتماعی متفاوت، ساخت‌وسازهای ناپایدار محله غیررسمی شمیران‌نو را با انگیزه‌ها و ابزارهای متفاوتی دنبال می‌کنند. براساس گونه‌شناسی‌های ترنر و استوکس، محله مورد بررسی دارای ترکیبی از تمامی دسته‌بندی‌های مذکور است و الگوی فرهنگی و اقتصادی این دسته‌بندی‌ها، در بخش‌های گوناگون محله، به صورت ساخت‌وسازهای مختلف نمود یافته است. در زمره مهم‌ترین عوامل برای ادامه این اقدامات، انگیزه‌ها و فرصت‌های اقتصادی به دست آمده شناسایی شده‌اند. اما ابزارها، توانایی‌ها و میزان علاقه‌مندی به محله، عواملی هستند که در چگونگی و کیفیت این ساخت‌وسازها تأثیر دارند. گروه‌های اجتماعی «قوم‌محور»، با روش‌های اصلاحی کم‌هزینه و بهره‌برداری از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی‌شان، قابلیت فعال شدن را دارند. گروه‌های اجتماعی «مهاجران جدید»، با پیشنهاد‌های مالی یا اختصاص فضا در دیگر محله‌های شهری، با واگذاری زمین‌های‌شان به اصلاحات آتی محله کمک خواهند کرد. گروه‌های «سازنده منفعت‌طلب»، به واسطه الزام‌های قانونی یا پشتیبانی‌های مالی و حقوقی، به سمت ساخت‌وساز پایدار یا خروج از محله هدایت خواهند شد. بنابراین برای بهسازی و توانمندسازی مؤثر سکونتگاه‌های غیررسمی، به‌کارگیری روش‌های ترکیبی و پویایی که انعطاف‌پذیری لازم را در برابر گروه‌های اجتماعی داشته باشند ضروری است؛ زیرا پهنه‌های مختلف به‌واسطه خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی نابرابری را به‌وجود آورده‌اند. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود که برای کاربردی شدن طرح‌های توسعه محله‌های غیررسمی، کنشگران مؤثر در نظام ساخت‌وساز و گونه‌های اجتماعی دخیل در این تحولات، بررسی و شناسایی شوند و یافته‌های این بررسی‌ها به عنوان ورودی‌های طرح‌های اصلاحی به‌کار رود.

مطالعات کیفی در محله‌های غیررسمی، مستلزم اختصاص زمان و پذیرش مخاطره‌های ناخواسته‌ای است که ریشه در ناشناخته بودن اجتماعات این محله‌ها دارد. برای تحقق پژوهش‌های کیفی، شرایط لازم عبارت است از اعتمادسازی و خوش‌بینی به اجتماعات این محله‌ها؛ لیکن شرایط کافی همانا استفاده از ابزارهای پژوهشی مناسب و همچنین تعهد و امانت‌داری در برابر یافته‌هاست.

پی‌نوشت‌ها

1. John F.C. Torner
2. Charles J. Stokes

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی توسعه*، انتشارات کیهان، تهران.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۸) *سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی*، نشر شهر، تهران.
- ایمانی، محمدنقی (۱۳۸۱) «تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۸۳ و ۱۸۴، صص. ۶۲-۳۷.
- پیران، پرویز (۱۳۸۷) «از اسکان غیررسمی تا اسکان ناپایی: در جستجوی راه‌حل»، فصلنامه هفت‌شهر، شماره ۲۹ و ۳۰، صص. ۱۵-۲۹.

- جوینت، پت و وارنر، ملکم (۱۳۸۵) *مدیریت در عرصه فرهنگ‌ها - مباحث و دیدگاه‌ها*، ترجمه: محمدتقی نوروزی، انتشارات سمت، تهران.
- دانایی‌فرد، حسن و الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۸) *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، انتشارات اشراقی، تهران.
- زاهدانی، سیدسعید زاهد (۱۳۶۹) *حاشیه‌نشینی*، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۸) *روش تحقیق کیفی*، انتشارات پیام پویا، تهران.
- شفیعا، سعید (۱۳۸۹) *رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کرنگ، مایک (۱۳۸۳) *جغرافیای فرهنگی*، انتشارات سمت، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- نقدی، اسداله و صادقی، رسول (۱۳۸۵) «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، صص. ۲۳۳-۲۱۳.
- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه‌پوش، اسحق (۱۳۸۸) *مبانی توسعه پایدار شهری*، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- هادی‌زاده بزار، مریم (۱۳۸۴) *حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان*، نشر برزین، مشهد.
- Hall, P. (1993) "Toward Sustainable Liveable and Innovative Cities for 21st Century", World Capitals, Tokyo.
- Stokes, Charles J. (2001) *A Theory of Slums*, In M. Pacione, *The City - Critical concepts in the social sciences*, Routledge Publication, London and New York.
- UNESCAP (2008) "Housing the Poor in Asian Cities", United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, Nairobi.
- UN-HABITAT (2003) *The Challenge of Slums*, Earthscan Publication, London.